

مصاحبه با وزیر کشوری که وجود خارجی ندارد!



بیشترین سود از روند رو به توسعه روابط تهران باکو را شیعیان مظلوم آذربایجان می برند که به ایران به عنوان حامی ایدئولوژیک خود می نگرند. متاسفانه بیشترین فشار بر روی آنها وقتی بوده است که به دلایل مختلف، اختلافات سیاسی بین تهران و باکو افزایش پیدا کرده بود.

1991 1988 :

اما در این سال ها تخم لق سیاست لنینیستی دوران شوروی در منطقه به بار نشست و تنش های قومی بین جمهوری های سوسیالیستی آغاز شد. سال ها قبل در زمان لنین و استالین منطقه ی قره باغ که تعداد محدودی ارمنی را در خود جای داده بود، با مهاجرت های بزرگ ارمنه از دیگر شهر های شوروی هر روز از نظر ترکیب قومیتی و دینی دگرگون می شد. رفته رفته ترکیب ارمنه در منطقه با مسلمان ها برابر شد و رو به فزونی گذاشت و بالاخره ترکیب جمعیتی منطقه کاملا عوض شده و ارمنه خود را قوم برتر در قره باغ قلمداد کردند. این پیشینه دقیقا در همین سال های 1988 به بعد باعث شد تا ارمنه نیز همزمان با آذری ها اعلام استقلال کنند و سعی کنند تا منطقه ای را که در آن ساکن هستند به ارمنستان وصل کنند. تلاش ارمنه ی ساکن در قره باغ برای الحاق به ارمنستان باعث گردید تا جنگ سختی بین جمهوری آذربایجان با اکثریت مسلمان با همسایه ی غربی خود یعنی جمهوری ارمنستان با اکثریت ارمنی شکل بگیرد.

جنگ بین مسلمانان و ارمنه که در منطقه قره باغ شکل گرفت با حمایت های تسلیحاتی و سیاسی برخی کشورها سال ها به طول انجامید و سرانجام نیز به شکل یک مناقشه ی لاینحل در منطقه باقی ماند و جمهوری آذربایجان نیز یک پنجم خاک خود را از دست داد.

به دلیل فضای مسموم رسانه ای در جمهوری آذربایجان، سال ها بود که حمایت های ایران از این جمهوری، چه در فضای سیاسی و چه در فضای میدانی و نبرد زمینی در زمان جنگ قره باغ، مغفول مانده بود. در سال های اخیر بعد از تلاش های فراوان و در عرصه های مختلف ام از مصاحبه ها، برگزاری همایشها و حتی برخی همراهی های دولتمردان آذربایجان رفته رفته ، روند مثبتی نسبت به همسایگی بین ایران و جمهوری آذربایجان شکل گرفته است.

بیشترین سود از روند رو به توسعه روابط تهران باکو را شیعیان مظلوم آذربایجان می برند که به جمهوری اسلامی ایران به عنوان حامی ایدئولوژیک خود می نگرند باید توجه کنیم که متاسفانه بیشترین فشار بر روی شیعیان آذربایجان وقتی بوده است که به دلایل مختلف، اختلافات سیاسی بین تهران و باکو افزایش پیدا کرده بود.

امروز وقتی مصاحبه ی یک روزنامه اصلاح طلب با فردی که خود را وزیر خارجه یک کشور ناشناخته و جعلی معرفی می کند در رسانه ها منتشر شد، اولین سوالی که به ذهن رسید این بود که آیا واقعا ما تلاش داریم تا همسایگی کشورمان را با یک کشور جعلی در منطقه قانونی جلوه بدهیم؟

روزنامه شرق با یک مقدمه مصاحبه ای را با به اصطلاح وزیر خارجه ی کشور خود خوانده قره باغ کوهستانی منتشر و سعی در مطرح کردن وزیر خارجه برای کشوری ناشناخته را دارد. البته تا امروز، جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای دنیا این کشور جعلی را به رسمیت نشناخته اند.

این روزنامه با یک مقدمه در ابتدا سعی می کند تا نعل وارونه بزند، و ابتدا علت این مصاحبه را توجیه کند. نویسنده بی اطلاع این مقدمه در ابتدا نوشته است: " در بسیاری از نقشه ها نام و نشانی از جمهوری قره باغ کوهستانی نیست، اما این دولت خودخوانده به عنوان یک واقعیت ژئوپلیتیک از جمله بازیگران مهم قفقاز جنوبی است! "

همانگونه که می دانیم و اتفاقا این آقای شبه کارشناس هم اذعان دارد جمهوری قره باغ کوهستانی جمهوری خود خوانده ای است که تا کنون از طرف هیچ کشوری به رسمیت شناخته نشده است پس نمی تواند به عنوان یک بازیگر در منطقه مطرح باشد. اگر اهمیتی، البته به لحاظ ژئوپلیتیکی بتوان به منطقه قره باغ کوهستانی داد، طبیعتا مربوط به مام

میهن آن، یعنی جمهوری آذربایجان می شود و نباید بازیگر جدیدی برای آن طراحی کرد. نویسنده ی این مقدمه سراسر تحریف در ادامه می نویسد: " براساس آخرین سرشماری رسمی در اتحاد شوروی نزدیک به 80 درصد مردم این ناحیه ارمنی بودند، بنابراین ترجیح

می دادند تابع ایروان باشند که تنها چند ساعت با آنها فاصله داشت. " لازم به توضیح است که از سال ها قبل بر اساس سیاست کثیفی که در منطقه پیاده شده بود، ساکنان این منطقه به جز ارمنه به اشکال مختلف از منطقه رانده شده بودند و علاوه

بر آن نیز این منطقه شاهد مهاجرت های بزرگ بوده که در مجموع ترکیب جمعیتی منطقه را عوض کرده است. بنابراین استناد به آماری که خود این آقای وزیر خارجه ی کشور جعلی در ادامه می دهد، نمی تواند توجیهی معقول برای اشغالگری ارمنه باشد.

نکته دیگر در این مقدمه با اشاره به مرز مشترک با جمهوری خودخوانده قره باغ کوهستانی آمده است: " ایران با این منطقه ۱۳۸ کیلومتر مرز مشترک دارد؛ یعنی صدکیلومتر بیشتر از مرز با جمهوری ارمنستان و این مسئله ای است که باید به آن توجه کنیم. "

باید بدانیم که صرف طول مرز مشترک زمینی با این منطقه نمی تواند توجیهی در رسمیت دادن به یک مقام منطقه خودخوانده باشد آن هم منطقه ای که سابقه ی بارها کشتار مسلمانان در منطقه را داشته است و البته نکته ی مهم تر این که منطقه ی قره باغ کوهستانی طبق نقشه، اصلا مرز مشترک با جمهوری اسلامی ندارد و در واقع رایون های تحت

اشغال جمهوری آذربایجان با ایران مرز مشترک دارند و این که قره باغ کوهستانی با ایران و حتی ارمنستان مرز مشترک دارد، از اساس کذب است. نکته تاسف بار دیگر درباره این موضوع، انتشار این مقاله با همین مقدمه مجعول و سراسر تحریف در یکی از کانال ها و سایت های مرتبط در شهری است که اتفاقا از جان مایه

می گذارد برای دفاع از شیعیانی که امروز دیگر هیچ یابوری به جز جمهوری اسلامی ندارند و این نوع مصاحبه ها که به آن ها عنوان کلی "ارمنی پرستی" در رسانه های آذربایجان داده می شود، آب در آسیاب دشمن ریختن است.

نکته ی آخر اینکه مواردی متعددی در مصاحبه ی "ماسیس مایلیان"، وزیر امور خارجه جمهوری خودخوانده قره باغ کوهستانی در گفت وگو با روزنامه ی شرق، عنوان شده است که البته بارها درباره ردّ یا قبول آن ها مقاله ها نوشته شده است و این یادداشت در اعتراض به اصل انجام این مصاحبه با این مقدمه مجعول می باشد.

منبع: آناج